

رسالة محمد

تقدیم بہ:

کوثر عالم بشریت

آن کہ گوشہ گوشہ می گل برک های یاس نیلی شده اش بر خون بال

پروانه می شکفته اش بہ سرخی کرایید.

سپاس

ستایش خدایی را که خلقت انسان را نیکو کرد و او را با فطرت ایمان آفرید و به او معارف و بیان آموخت و نعمت احسان و تفضلش را بر او ارزانی داشت .

پروردگارا ! جز به فضل و احسان تو دل نبسته ام و هرچه کرده ام به لطف وجود و بخشش تو بوده است ، هر حسنی که در آن است از آن توست و هر کمی و کاستی ، برخواسته از ضعف و ناتوانی من ، اینک به پاس توفیقی که در تدوین این پایان نامه بر من نمودی ، تو را سپاس می گویم .

برخود لازم می دانم از اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر محمدی به پاس کلیه زحمات بی شائبه ای که در راهنمایی و تدوین این پایان نامه متحمل شده اند و جناب آقای دکتر زمانی به جهت تقبل مشاوره های لازم ، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم .

همچنین سپاس می گویم از همسر فداکارم به خاطر تمامی همدلی ها ، همراهی ها ، و راهنمایی های مشفقانه ای که در این راه ، نموده اند .

از درگاه ایزد منان ، سلامتی و توفیق روز افزون این عزیزان را مسئلت می نمایم .

چکیده

فمینیسم جنبشی است برای مطالبات زنان که در پی اعتراض به برخی از نابرابریهای خانوادگی و اجتماعی، شکل گرفت؛ و براساس یک سری انگاره های مشخص به تجزیه و تحلیل این نابرابریها می پردازد و راهبردهای متفاوت با دیدگاههای مختلفی را ارائه می دهد. به علت وابستگی دیدگاهها به مکتب های فلسفی و سیاسی غرب، گرایشهای متفاوتی از فمینیسم به وجود آمد.

فمینیسم های رادیکال، مارکسیست، سوسیالیست، لیبرال، فرامدرن و اسلامی از مهمترین گرایشهای فمینیستی هستند که هر کدام با منظری خاص و جداگانه به مسایل زنان، می نگرند. هدف تمام گرایشهای فمینیسمی، ایجاد جامعه ای است که در آن تفاوت گذاری بر اساس جنسیت جای خود را به تشابه بدهد، تا آرمان برابری زن و مرد در همه عرصه ها و فعالیت ها به وجود آید. و در صحنه فعالیت های اجتماعی، زن و مرد به طور مساوی، نقش بازی کنند، بدون آنکه احساسات، روحیات، استعدادها و توانایی های فکری و جسمی آنان تأثیری در ایفای نقش های اجتماعی داشته باشد.

فمینیست ها، هستی را همچون دفتری می دانند که آغاز و سرانجامش ناپید است و در این هستی خود را بی نیاز از وحی دانسته و انسان را مصدر تشریح قرار می دهند؛ آنان صفات زنانه را صفات برتری می دانند و جنس مذکر را عامل فرودستی، زن معرفی می کنند.

در مقابل، اسلام براساس خدا محوری بنا شده است؛ و جهان در این دیدگاه، هدفمند و دارای برنامه می باشد.

در اسلام، حقیقت انسان، هویت اوست نه جنسیت؛ زن و مرد از یک جوهره مشترک بوده و صفات مردانه و زنانه هیچ کدام مایه برتری نسبت به دیگری نیست.

اسلام قائل به تساوی زن و مرد، در ذات و تفاوت در وظیفه می باشد؛ همچنین دستورات اخلاقی اسلام براساس ذات مشترک انسانی است و کلیه ارزشها و ضد ارزشهای اخلاقی ریشه در روح و جان آدمی دارد و نمی تواند وابسته به جنسیت افراد باشد.

اسلام راه رفع ظلم به زنان را اصلاح ذهنیت ها و توجه دادن به اهداف واقعی خلقت و آشنایی زن و مرد به شخصیت و کرامت یکدیگر و تدوین برنامه های اخلاق محور، می داند .
 اسلام و فمینیسم دو مقوله کاملاً جدا از هم با مبانی، اهداف و کارکردهای متفاوت هستند و هیچ گاه با هم تلفیق نمی شوند .
کلید واژه : مبادی اخلاق ، برابری اخلاقی ، اسلام ، فمینیسم .

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	کلیات :
۴	تعریف مسئله تحقیق
۴	فرضیه ها
4	ضرورت و سابقه انجام تحقیق
۵	اهداف تحقیق
	واژگان کلیدی :
۵	مبادی
5	اخلاق
7	برابری اخلاق
۱۰	برابری اخلاقی و برابری حقوقی
۱۱	اسلام
۱۲	فمینیسم
	فصل اول : مبادی برابری اخلاق زن و مرد در اسلام
۱۷	بخش اول : دیدگاه اسلام در مورد زن و مرد
۱۷	۱-۱ انسان از دیدگاه اسلام
	۲-۱ مبادی برابری اخلاق زن و مرد در اسلام
۱۹	۱-۲-۱ برابری در اصل و ریشه (آفرینش)
۲۲	۲-۲-۱ برابری در نظام ارزشی

۲۴	برابری در کسب کمالات و فضائل انسانی	۳-۲-۱
۲۶	برابری در برخورداری از استعدادها و امکانات	۴-۲-۱
۲۷	برابری در بهره مندی از ابزار هدایت و کمال	۵-۲-۱
۲۸	برابری در جنبه های متعالی اخلاق	۶-۲-۱
۳۲	برابری در آزادی و استقلال	۷-۲-۱
۳۴	برابری در برخورداری از حقیقت انسانی	۸-۲-۱

بخش دوم : مبادی هستی شناختی اخلاق زن و مرد در اسلام

۳۵	هستی هدفمند	۱-۲
۳۶	تناسب میان تکوین و تشریح	۲-۲
۳۷	نابرابری زن و مرد از جهت تکوینی	۳-۲
۴۰	فلسفه نابرابری ها	۴-۲
۴۴	نابرابری ها منشأ وظایف و نقش های متفاوت	۵-۲
۴۶	خانواده تبلور نقش های متفاوت و مکمل زن و مرد	۶-۲
۴۷	رویکرد اسلام در برابر برخی از شبهات	۷-۲

بخش سوم : مبادی انسان شناختی اخلاق زن و مرد در اسلام

۵۲	کمال نهایی و ملاک برتری زن و مرد در اسلام	۱-۳
۵۴	تنوع راههای رسیدن به کمال	۲-۳
۵۶	سعادت واقعی زن و مرد از دیدگاه اسلام	۳-۳
۵۷	نگاه اسلام به اخلاق زن و مرد	۴-۳
۶۱	دستورات اخلاقی اسلام بر اساس ذات مشترک انسانی	۵-۳
۶۲	محدوده جبر و اختیار در اخلاق زن و مرد	۶-۳
۶۶	تأثیر وراثت ، خانواده و محیط در اخلاق زن و مرد	۷-۳

فصل دوم: مبادی برابری اخلاق زن و مرد در فمینیسم

۷۰	بخش اول: معرفی اجمالی فمینیسم	
۷۰	۱-۱ معنای لغوی واصطلاحی فمینیسم	
۷۱	۲-۱ بررسی علل پیدایش فمینیسم	
۷۷	۳-۱ انواع گرایشهای فمینیستی	

۸۶	۴-۱ زن و مرد از منظر فمینیسم
۹۰	۵-۱ برابری زن و مرد از دیدگاه فمینیسم
۹۳	۶-۱ مهمترین اهداف جنبش فمینیسم
	بخش دوم: مبادی اخلاقی فمینیسم
۹۷	۱-۲ نسبیت معرفتی
۹۹	۲-۲ نسبیت فرهنگی
۹۹	۳-۲ اصالت فرد
۱۰۰	۴-۲ نفی عقلانیت
۱۰۱	۵-۲ تشابه زیستی زن و مرد
۱۰۲	۶-۲ نفی اخلاق سنتی
۱۰۵	۷-۲ توصیه به اخلاق مراقبت
	بخش سوم: اخلاق فمینیستی
۱۰۷	۱-۳ تعریف اخلاق فمینیستی
۱۰۸	۲-۳ دسته بندیهای اخلاق فمینیستی
۱۱۶	۳-۳ کارکردهای خانواده در رویکردهای فمینیستی
	فصل سوم: نقد و بررسی فمینیسم بر اساس اصول و آموزه های اسلام
	بخش اول : پیامدهای اخلاقی فمینیسم
۱۲۴	۱-۱ مرد ستیزی
۱۲۵	۲-۱ ترویج روابط آزاد زنان و مردان
۱۲۶	۳-۱ نفی ارزش های خانواده
۱۲۷	۴-۱ تأکید بر سقط جنین
۱۲۸	۵-۱ همجنس گرایی
	دو نکته مهم :
۱۲۹	۱- نقد و بررسی اخلاق فمینیستی
۱۳۱	۲- نقد و بررسی اخلاق مراقبت
	بخش دوم : نقد و بررسی مبادی فمینیسم از دیدگاه اسلام
۱۳۳	۱-۲ خدا محوری و انسان محوری
۱۳۳	۲-۲ دین مداری و دین ستیزی

۱۳۴	۲-۳ غایت مداری هستی یا غایت مند نبودن آن
۱۳۵	۲-۴ برابری یا تفاوت زن و مرد
۱۴۰	۲-۵ تقابل یا مکمل بودن زن و مرد
۱۴۱	۲-۶ روابط جنسی زن و مرد
۱۴۴	۲-۷ تولید مثل
۱۴۶	۲-۸ کارخانگی
۱۴۹	۲-۹ اشتغال زنان
	بخش سوم : کارکرد خانواده و راهکارهای رفع ظلم از زنان در اسلام
۱۵۲	۳-۱ کارکرد های خانواده در اسلام
۱۵۵	۳-۲ راهکارهای اسلام در جهت اصلاح وضعیت زنان
۱۵۹	نتیجه گیری
۱۶۲	منابع و مأخذ



دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: فلسفه اخلاق

دانشکده: الهیات و علوم اسلامی

گروه: اخلاق

عنوان

مبانی برابری اخلاق زن و مرد در اسلام و فمینیسم

استاد راهنما

دکتر ناصر محمدی

استاد مشاور

دکتر مهدی زمانی

پژوهشگر

فاطمه سادات بنیان

دی ماه

۱۳۸۹

مقدمه

هویت زن با پیچیدگی های خاص جسمی، روحی و روانی خویش، همواره جایگاه سؤال و بحث بوده است؛ اینکه اغلب دانشمندان و متفکران در طول تاریخ در مورد زنان و خصوصیات آنان اظهار نظر کرده اند، گواهی براین مدعاست.

مروری گذرا بر مبنای فکری اندیشمندان بزرگ جهان در گذشته بخصوص در غرب، درباره شخصیت زن، نشان می دهد، آن چیزی که بیشتر در تفکر آنها متجلی بود، نگرشی درجه دوم نسبت به جنس زن می باشد و اینکه زنان موجوداتی فرومایه و کم ارزش هستند.

این دیدگاه بر علیه زن از طرف مردان به گونه ای است که عرصه های روان شناسی و علوم اجتماعی را در نوردیده و در اکثر کشورهای جهان، تاثیر بسزایی در عادات و رسوم مردم، برجای گذاشته است به نحوی که فرودست دانستن زن در ادبیات رایج، ضرب المثلهای، داستانها و به تعبیر رساتر در تمام زوایای فرهنگ ملت ها، نمایان است.

در این راستا جنبشی به نام « فمینیسم » با هدف دست یابی به حقوق زنان و دگرگونی جامعه، اما نه صرفاً برای تحقق برابری اجتماعی زنان بلکه با رویای دفع انواع تبعیض و ستم نژادی علیه زنان، سازمان یافت.

فمینیسم با طرح ایده ها و شعارهای به ظاهر حق مدارانه درباره زنان، توانست به سرعت در سطح دنیا انتشار یابد و کشورهای زیادی را تحت پوشش خود درآورد.

این جنبش دیری نپایید که به بیراهه کشیده شد و به جای آن که بتواند اصلاحی در وضعیت زنان به وجود آورد، به جنبشی برضد مردان مبدل گشت، به طوری که مرد را عامل بدبختی زن و زن را جنس برتر دانست؛ فمینیسم، تنها کاری که کرد این بود که صورت مسئله را تغییر داد یعنی زن ستیزی و زن گریزی را تبدیل به مرد ستیزی و مرد گریزی نمود.

در مقابل با نگاهی به مکتب اسلام در می یابیم که، اسلام به لحاظ ابتناء خود بر جهان بینی الهی و با عنایت به این که به عنوان یک دین، متکفل بیان حقایق هستی و ارائه راهکارهای مطمئن برای رستگاری بشریت است؛ به مسائل انسانها و از جمله زنان در چارچوب و حیطه خاصی می نگرد.

اسلام در زمینه نسبت زن و مرد، قائل به برابری جوهره و تفاوت در وظیفه است؛ همه آیات و روایات بر تساوی در گوهر و ذات این دو جنس، تاکید دارند ولی از نظر روحیات، عواطف و وظایفی که به دوش دارند، معتقد به تفاوت زن و مرد در کارکرد خانوادگی و اجتماعی می باشد و به همین جهت، حقوق متفاوتی نیز برای آنها لحاظ می کند. در این پژوهش مبادی اخلاقی زن و مرد در

فمینیسم بر پایه مبادی اخلاقی اسلام ، سنجیده می گردد . لذا تبیین دقیق و نقد منطقی از لوازم کار این پژوهش در راه مبارزه فرهنگی و عقلانی با پدیده ((فمینیسم)) است و نیز غنای فرهنگ و تمدن مذهبی - ملی ما ، بهترین پشتوانه علمی و مهمترین منبع این پژوهش برای نقد و بررسی و طرد تفکرات فمینیستی ، می باشد . این پژوهش درصدد آن است که ضمن معرفی فمینیسم و گرایشهای آن و همچنین بیان برنامه ها و اهداف از یک سو و بیان دیدگاه متعالی اسلام درباره مبادی برابری اخلاق زن و مرد ، از سوی دیگر ، ضمن دفاع از آموزه های اسلام به نقد اهداف و آرمانهای فمینیسم در زمینه اخلاق ، پردازد و بیان کند که گرچه اسلام و فمینیسم را کاملا نمی توان بدون زمینه مشترک دانست (به عنوان مثال : هردو ظلم به زنان را تقبیح می کنند) اما از لحاظ ایدئولوژی و جهان بینی ، اسلام و فمینیسم با هم قابل قیاس نیستند و بر فرض قیاس مانند دو قطب مخالف اند که هیچ گاه با هم تلفیق نمی شوند .

کلیات

تعریف مسئله تحقیق

فرضیه ها

ضرورت و سابقه انجام تحقیق

اهداف تحقیق

واژگان کلیدی :

مبادی

اخلاق

برابری اخلاق

برابری اخلاقی و برابری حقوقی

اسلام

فمینیسم

تعریف مسئله تحقیق :

در مکاتب فمینیسمی هنجارهای مشخصی در ارتباط با جنس زن و مرد توصیه می گردد که با بسیاری از هنجارهای دینی در همان موارد در تضاد است . در این تحقیق سعی بر این است که مبادی این هنجارها را در دو مکتب اسلام و فمینیسم بررسی کرده و مورد ارزیابی و نقد قرار دهیم .
سوالات اصلی مطرح شده در این تحقیق عبارت است از :

- ۱ - آیا از دیدگاه اسلام و فمینیسم ، الزامات و دستورات اخلاقی حاکم بر زن و مرد متفاوت است؟
 - ۲ - مبادی انسان شناختی و معرفتی اخلاق در اسلام و فمینیسم ، در ارتباط با زن و مرد چیست؟
 - ۳ - موضع کدام مکتب در حل مسایل اخلاقی در موضوع برابری و یا نابرابری زن و مرد، قابل دفاع می باشد ؟
- فرضیه ها :

- ۱ - تفاوت ها و شباهت هایی در دستورات اخلاقی حاکم بر زن و مرد در اسلام و فمینیسم وجود دارد .
- ۲ - اخلاق زن و مرد در اسلام متصل به وحی الهی است لیکن در فمینیسم ، ناشی از تفکرات مادی و ظاهری می باشد .
- ۳ - موضع اسلام در مسأله برابری یا نابرابری اخلاقی بین زن و مرد ، بیشتر قابل دفاع است .

ضرورت و سابقه انجام تحقیق :

در مورد اخلاق زن و مرد در اسلام و فمینیسم بررسی هایی همچون : «مسأله زن ، اسلام و فمینیسم» از آقای دکتر محمد منصور نژاد ، «مواجهه اسلام با فمینیسم» از آقای رحمت الله رضایی ، «اسلام و فمینیسم» از آقای دکتر هادی وکیلی ، «بررسی مبانی فلسفی ، اخلاقی، کلامی و آثار عملی فمینیسم» از خانم ها غزاله دولتی و هاله و حوریه حسینی اکبر نژاد و ... ، انجام گرفته است ولی درباره برابری اخلاق زن و مرد در اسلام و فمینیسم ، کاری صورت نگرفته ؛ فلذا این امر ، ضرورت انجام تحقیق را گوشزد کرده و آن را ، نو و بدیع ، می نماید .

اهداف تحقیق :

آشنایی با مبادی برابری یا نابرابری اخلاق زن و مرد در اسلام و فمینیسم و اینکه کدام مکتب می تواند در مورد حل مسائل اخلاقی مربوط به زن و مرد، قابل دفاع باشد .

واژگان کلیدی :

مبادی : مبادی نقطه عزیمت و آغاز هر عملی است و ریشه مفرد آن «مبدأ» و به معنای شروع می باشد . بدین مفهوم که یک سلسله شناخت های قبلی و آغازین که مسائل بعدی، نتایج و بناها بر آن ، استوار شده است .

مبادی را می توان به معنای مبانی نیز گرفت که پیش فرض های هر دانشی و عملی است ؛ به طور مثال وجود اختیار برای انسان یکی از مبانی و یا مبادی علم اخلاق است .

مبادی اخلاق زن و مرد در اسلام ، همان آیات و روایاتی است که در تفکر شیعی ، این مبادی متصل به وحی الهی است اما مبادی اخلاق زن و مرد در فمینیسم ، ناشی از تفکرات مادی و ظاهری ، مبنی بر برابری کامل زن و مرد در تمام زمینه ها می باشد . در این مبحث مبادی به دو دسته تقسیم شده است :

اول : مبادی انسان شناختی ، که پیرامون کمال و سعادت نهایی انسان ، کمالات و استعداد های انسان ، هویت نه جنسیت ، تأثیر وراثت ، محیط و خانواده ، مورد بحث قرار گرفته است .

دوم : مبادی هستی شناختی ، که پیرامون ذات مشترک انسانها در اصل و ریشه (آفرینش)، بحث اختیار و جبر ، وجود نابرابری های تکوینی و ... ، مورد بررسی قرار گرفته است .

اخلاق : «ماده خلق اگر با خاء مفتوح استعمال شود به معنی صورت ظاهری است و اگر با خاء مضموم استعمال شود ، به معنی صورت باطنی می باشد . صورت باطنی «خَلْق» انسان مانند صورت ظاهریش «خُلُق» دارای هیئت و ترکیبی زشت یا زیباست ؛ بنابراین خُلُق انسان همان هیئت و قیافه ثابت نفسانی انسان است که به آسانی و بدون تفکر باعث صدور افعال انسان می شود ، اگر افعالی که از این هیئت و قیافه ثابت نفسانی صادر می شود ، شرعا و عقلا پسندیده باشند این هیئت را خلق نیکو می گویند و اگر زشت و ناپسند باشند ، خُلُق بد ، نامیده می شود»^۱

«اخلاق هر گونه رفتاری نیست ، بلکه رفتاری است که کمال مطلوب دارد و این کمال مطلوب نمی تواند در حد سودجویی باشد ، زیرا سر و کار اخلاق با ارزش ها است و ارزش مستقل از سود و

^۱ سید عبد الله بشر ، کتاب الاخلاق ، مترجم : محمد رضا جباران ، ص ۳۱

گاهی مغایر و حتی متضاد با آن است؛ به این ترتیب از یک سو میان اخلاق و اعتقاد دینی رابطه ای استوار برقرار است و از سوی دیگر اخلاق معانی و مفاهیم خود را حفظ می کند»^۱

«پس اخلاق عبارت از ملکات نفسانی و هیئات روحی است که باعث می شود کارها، زشت یا زیبا به آسانی از نفس متخلق به اخلاق خاص، نشئت بگیرد؛ بر اساس تبیین مزبور، اخلاق به بدو خوب یا به باید ها و نباید ها و یا به فضائل و رذایل تقسیم می گردد»^۲

قابل ذکر است که، اخلاق یکی از ضروریات و نیازهای بشری است چرا که نه تنها در مطالبات و نجات فردی سهم دارد بلکه در مسائل اجتماعی و نجات جامعه هم نقش بسزایی دارد؛ پس انسان خواه در زاویه ای به سر ببرد و خواه در جامعه زندگی کند، نیازمند به اخلاق است زیرا، «اخلاق به عنوان مجموعه قواعد و دستورات حاکم بر آدمی و وسیله ای برای زندگی انسانی و مسالمت آمیز است، اصولی که رعایت آن زندگی جمعی را غنا و وجدان را آرامش می بخشد و رمز موفقیت و رسیدن به خیر و زندگی بشر است»^۳

«اخلاق در اسلام دارای اهمیت فراوانی است چرا که اخلاق از ارکان اسلام و در ردیف عقاید واحکام به شمار می آید و عامل پیوند انسان به پروردگار می باشد و همانا این پیوند، مقصود اصلی در ایجاد انسان است زیرا که آن، بزرگترین کمال آدمی است و تمامیت کمالات انسان وابسته به آن است و انسان، کامل نمی گردد مگر آن که در مسیری گام بردارد که خدای متعال در شریعت برای او ترسیم نموده است و راهی را بییماید که پیامبران و جانشینان و پیروان آنها در ارائه آن، جهد بلیغ نموده اند»^۴

اخلاق در مکتب اسلام نه فقط نیت و اندیشه ی درونی است و نه تنها عمل و فعالیت بدنی است بلکه یک جریان متصل و ممتدی است که از اندیشه آغاز می شود و به عمل پایان می پذیرد و با تعبیری که در روایات آمده، اخلاق نیت و عمل به هم پیوسته است و به عبارت دیگر اخلاق مجموعه اعمال درونی و برونی است.

تمام اعمال خوب یا بد اخلاقی که اشخاص در خارج انجام می دهند ناشی از نیت داخلی و تصمیم درونی آنهاست و از این نظر تمام افراد با هم یکسانند ولی از جهت اینکه منشاء نیتشان چیست و چه محرکی آنان را به ایجاد چنین تصمیمی وا داشته است با یکدیگر فرق دارند.

۱. مهدی نراقی، جامع السعادات، ترجمه: سید جلال الدین مجتوی، ص ۱۰

۲. عبد الله جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۷۳

۳. علی قائمی، اخلاق و معاشرت در اسلام، ص ۴۴

۴. حسین مظاهری، کاوشی نو در اخلاق اسلامی، ص 1

گروهی محرکشان تنها خود پرستی و ارضاء غرائز است ، گروه دیگری محرکشان در اخلاق سودجویی و نفع طلبی است . گروه سوم ، انسانهای خلیق و با فضیلت اند و محرک اینان در رفتار اخلاقی ، وظیفه شناسی و اداء تکلیف است . این گروه هم حقوق و حدود مردم را محترم می شمردند و هم به مکارم اخلاق و سجایای انسانی توجه دارند .^۱

به طور خلاصه ، در مکتب اسلام ، هدف اصلی حسن خلق ، اطاعت از اوامر الهی ، اداء تکلیف دینی و جلب رضای پروردگار است و نتایج معنوی اخلاق حمیده ، تکامل روح ، پاکی فکر ، تعالی معنوی ، غلبه بر هوای نفس ، تخلق به فضائل و رسیدن به رستگاری ابدی است و فوائد دنیوی آن گسترش دوستی ، حسن روابط اجتماعی ، کسب محبوبیت ، افزایش سود مادی و رفاه و آسایش زندگی است و برعکس سوء خلق برای انسان ، تیره ورزی و بدبختی به بار می آورد و انسان را از سعادت مادی و معنوی باز می دارد .

اما در دیدگاه فمینیسمها ، اخلاق نگاهی انتقادی به صحت مبانی مردانه اخلاق سنتی و مبانی عقل محوری است که به تجربیات زنان توجه چندانی ندارد .

از دیدگاه فمینیست ها ، خوبی ، بدی ، درستی و نادرستی رنگ دیگری یافته اند یعنی این مفاهیم با افراد ، اجتماع و تغییرات سیاسی که فمینیست ها برای پایان بخشیدن به سلطه بر زنان نیاز دارند ، آمیخته شده است .

از دیدگاه فمینیسم ها ، باید عوامل اخلاقی را که در تداوم این سلطه موثر است ، شناسایی و اصلاح کرد . فمینیست ها پس از انتقاد از اخلاق سنتی ، عمده ترین مبنای عمل اخلاقی را ، «اخلاق مراقبت» می دانند ، اخلاق مراقبت از جهت در نظر گرفتن تجربیات زنانه و توجه به معضلات و مشکلات آنان در رفتار به عمل اخلاقی ، از دیدگاه فمینیست ها بهترین نوع رفتار است و باید در همه جا و در همه روابط حاکم باشد .

توجه اخلاق مراقبت به جنبه های شخصی ، خصوصی ، جزئی و زمانی است در صورتی که از عمده ترین شاخصه های اخلاقی ، عمومیت اخلاق و توانایی انجام آن برای همه است در حالیکه فمینیست ها فقط به جزئی و فردی و زمانی بودن اخلاق تأکید می کنند .^۲

برابری اخلاق: برابری در سه قالب ، برابری ظاهری ، تناسبی و اخلاقی مطرح و بیان می شود . برابری ظاهری بر این اصل دلالت دارد که دو نفر که حداقل در یک جنبه ی ظاهری و عادی ،

^۱ . محمد تقی فلسفی ، اخلاق از نظر همزیستی و ارزشهای اسلامی ، ص ۹۹

^۲ . غزاله دولتی ، هاله حسینی نژاد ، حوریه حسینی اکبر نژاد ، بررسی مبانی فلسفی ، کلامی ، اخلاقی ، و آثار عملی فمینیسم ، ص ۱۲۴

موقعیت برابر دارند حداقل می باید در آن جنبه ، از برابری برخوردار باشند . این یک مفهوم عام از برابری است که به عنوان اصل برابری ظاهری معروف است .

در برابری تناسبی با هر فرد متناسب با استعدادها و وظایفی که بر عهده دارد برخورد می شود . اما در برابری اخلاقی وقتی واژه برابری مطرح می شود هدفی جز نیل به عدالت نمی باشد فلذا این واژه در اکثر کاربردهایش به طور عام رابطه تنگاتنگی با اخلاق دارد لیکن به این معنا نیست که رسیدن به برابری ، همیشه منجر به عدالت خواهد شد و قطعاً برابری در جایی که موقعیت ، واقعا یکسان نیست، خود نوعی بی عدالتی است .

اصطلاح برابری بر حسب رویکردهای مختلفی از قبیل : سیاست ، اقتصاد ، فرهنگی ، اخلاقی و ... مطرح می شود . آن چه در این تحقیق مورد نظر است بررسی این واژه در حوزه مباحث اخلاقی به طور عام و اخلاق زن و مرد به طور خاص می باشد . این اصطلاح هم از حیث معناشناختی و هم از حیث معرفت شناسی قابل بحث است که در این جا رویکرد دوم ، دنبال می شود .

هر نوع برداشت از واژه «برابری» به دیدگاه انسان شناسی ، بستگی دارد . تفسیر انسان از واژه مذکور ، منوط به نوع جهان بینی است که اختیار می شود و «جنسیت» مهمترین دیدگاهی است که در تفسیر واژه «برابری» تأثیر گذار است .

در دیدگاه اسلامی زن و مرد در شناخت و معرفت اخلاقی ، برابر هستند و زن همانند مرد می تواند با متصف شدن به فضائل اخلاقی و دور بودن از رذایل اخلاقی ، در تحصیل کمالات معنوی و پیمودن پله های معرفت در رسیدن به قرب الهی ، گام بردارد .

اگر چه اسلام به برابری اخلاق در زن و مرد ، در معرفت و شناخت اخلاقی ، اجرای فضایل اخلاقی و دور بودن از رذایل اخلاقی ، قائل است اما اشاره دارد که ارزش هایی خاص ، وجود دارد که بیشتر برارزنده شخصیت زن و ارزش هایی ، وجود دارد که بیشتر شایسته روحیات مرد است . اگر چه زن و مرد دارای ارزش های اخلاقی یکسانی مثل: احترام به دیگران ، کمک به محرومان ، عدالت، راستگویی ، راز داری و ... هستند اما ارزش های خاصی وجود دارد که هر چند رعایت آن برای هر دو جنس خوب و ارزشمند است ، دقت و توجه خاص مردان و زنان نسبت به آن نیکوتر و ارزشمند تر است . مثلاً شجاعت ، اگر چه خصوصیت اخلاقی بسیار شایسته برای همه انسان هاست اما به دلیل وجود توانایی های جسمی بیشتر ، رعایت بیشتر آن برای مردان سزاوارتر و ترک آن برای مردان نکوهیده تر است .

و همین طور اگر چه ارزش عفت و حیا برای هر انسانی جزو اولین اصول لاینفک انسانی است اما توجه خاص زنان به آن و رعایت دقیق تر موازین حیا و عفت از سوی زنان ، به سبب شخصیت و ویژگی های روحی و عاطفی زن ، بیشتر سفارش شده است .

امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید :

«برخی از نیکو ترین خلق و خوی زنان ، زشت ترین اخلاق مردان است ، مانند تکبر ، ترس و بخل، هرگاه زنی متکبر باشد ، بیگانه را به حریم خود راه نمی دهد و اگر بخیل باشد ، اموال خود و شوهرش را حفظ می کند و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند ، فاصله می گیرد»^۱ البته این صفات هم به طور مطلق برای زنان تجویز نشده بلکه به صورت مقید و آن هم در محدوده حریم خانواده و برای حفظ آن ، تأکید شده است . بنابراین این گونه تفاوت ها ، به معنای تمایز ارزش ها نیست .

از سوی دیگر ، گاهی شیوه اجرای ارزشهای اخلاقی ، آنها را از هم متفاوت و متمایز می کند مثلا ، شجاعتی که برای مردان سفارش شده است ، شجاعت در عرصه جنگ و نبرد است در غیر این صورت ، شجاعت در عرصه های دیگر مثل : مبارزه با ظلم و بیان حقایق ، رفتار اخلاقی است که جنسیت نمی شناسد و بر هر انسان آزاده ای واجب است و یا مثلا در مورد عفت، این نوع عفت زنان و مردان است که آن را از هم متفاوت می کند نه خود ارزش ها.

بنابراین ، اسلام به برابری اخلاق ، در بین زن و مرد قائل است به این معنی که ، هر چیزی که برای مرد جزء فضائل و یا رذایل محسوب می گردد همان چیز برای زن هم جزء فضایل و یا رذایل محسوب می گردد جز موارد استثنائی که به برخی از آنان اشاره شد .

اما رویکرد فمینیست ها به اخلاق و ارزشهای اخلاقی کاملا متفاوت با اسلام است . آنان ، دیدگاه کاملا متفاوتی در زمینه «ارزش های اخلاقی» مطرح می کنند و قائل به استثناهایی که در اسلام برای زن و مرد قائل می باشد ، نیستند . آنان برابری را ، برداشتن مرزهای جنسیتی می دانند و می گویند زنان به دلیل جنسیتشان ، اسیر بی عدالتی ها هستند .

در بین فمینیست ها ، «مری ولستون کرافت» اولین کسی بود که به برابری مطلق زن و مرد در همه زمینه ها اشاره کرد . او معتقد بود که هر آن چه که به عنوان روحیات زنانه و مردانه در جامعه مطرح است ، جز از تعلیمات خاص اجتماعی که همیشه در راستای تحقق پدر سالاری عمل کرده است ، ناشی نمی شود .

^۱. نهج البلاغه ، مترجم : محمد دشتی ، حکمت ۲۳۴ ، ص ۴۸۵

حتی وی معتقد بود که وجود ارزش های خاص زنانه و مردانه ، ادعایی بی اساس است و زنان هرگز از لحاظ اخلاقی ملایم تر و رثوف تر از مردان نیستند . او اظهار می کرده که اگر مردان نیز در شرایط زنان زندگی می کردند ، بدون شک دچار همان خصلت هایی می شدند که امروزه خاص زنان است.^۱

بنابراین فمینیست ها به برابری مطلق اخلاقی بین زن و مرد قائل هستند و می گویند در این زمینه اصلا جنسیت مطرح نیست و هم چنین آنان ارزشهای اخلاقی را آن طور که در اسلام تعریف شده است ، تعریف نمی کنند که در فصل های بعدی به آن اشاره می گردد .

برابری اخلاقی و برابری حقوقی :

در آموزه های دینی ، تفاوت های طبیعی در جسم ، گرایش ها و رفتارها بر هدفمندی خلقت و لطف خداوند مبتنی است . از این رو تفاوت های طبیعی نه نشانه حقارت یک جنس ، بلکه نشانگر انتظارات مختلفی است که از هر یک از آنها ، در مسیر سعادت بشر می رود . معنا داری خلقت زن و مرد ، این نتیجه را نیز در پی دارد که قانون گذاری نباید با نادیده انگاشتن تفاوت ها در مسیری خلاف طبیعی زن و مرد قرار گیرد .

همان طور که در صفحات قبل گفته شد اسلام با برابری اخلاقی زن و مرد به جز موارد استثنائی ، موافق است .

هم چنین اسلام در مورد حقوق بین زن و مرد ، به برابری حقوقی آنها قائل است ولی با تشابه حقوقی بین آنها مخالف است . شهید مطهری در این زمینه می فرماید :

«کمیت غیر از کیفیت است ، برابری غیر از یکنواختی است . آن چه مسلم است این است که اسلام حقوق یکجور و یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده است ، ولی اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست . اسلام اصل مساوات انسانها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است . اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست با تشابه حقوق آنها مخالف است»^۲

بنابراین «زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن و دیگری مرد ، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند ، جهان برای آنها یکجور نیست ، خلقت و طبیعت ، آنها را یکنواخت نخواست است و همین جهت ایجاب می کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازاتها وضع مشابهی نداشته باشند»^۳

^۱ غزاله دولی ، هاله و حوریه حسینی اکبر نژاد ، بررسی مبانی فلسفی ، اخلاقی ، کلامی و آثار عملی فمینیسم ، ص ۱۳۷

^۲ مرتضی مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام ، ص ۱۱۵

^۳ همان ، ص ۱۲۲

پس در اسلام با توجه به خصوصیات و روحيات و حالات زن و مرد وظایفی برای آنان مشخص گردیده است که طبق آن وظایف حقوقی هم مترتب می گردد و تفاوت های حقوقی لازمه ساختارهای متفاوت آنهاست .

اما در دیدگاه فمینیست ها ، «با ناچیز شمردن تفاوت های طبیعی زن و مرد و نفی تأثیرگذاری آن در حوزه عمومی ، خواهان از میان برداشتن تمامی تفاوت ها و عوامل تفاوت ساز بوده و معتقدند که زنان باید کاملاً با مردها برابر شناخته شوند تا قدرت رقابت با آنان را پیدا کنند»^۱

بنابراین تقریباً تمامی گرایش های فمینیسمی ، نا برابری حقوقی ، اخلاقی ، اقتصادی و سیاسی زن و مرد را ، غیر طبیعی و ناشی از نادیده انگاری یا ستم علیه آنها می دانند و معتقدند که باید میان زن و مرد از لحاظ حقوقی ، قوانین ، وظایف و اخلاقیات ، وضع واحد مشابهی به وجود آید و تفاوت های غریزی و طبیعی زن و مرد نادیده گرفته شود .

در نتیجه آنان به برابری کامل بین زن و مرد در تمام زمینه ها ، بدون در نظر گرفتن تفاوت های طبیعی ، قائل هستند .

اسلام : اسلام آیین و دین الهی است که در مرکزیت و اساس آن «الله» وجود دارد که خدایی خالق ، رازق و مالک همه مخلوقات است . تعهد در برابر خدا به آن معنی است که به عنوان عبد و خلیفه شاهد اراده او باشیم . این خلافت تکلیف و مسئولیتی در برابر همه عالم و شالوده انسانیت در اسلام است .

اسلام فرهنگ فطرت و آهنگی هماهنگ با تمام شئون انسان و انسانیت است . نظام مسائل و قوانین در اسلام از جانب خداوند بزرگی است که بنای ساختمان انسان را بنا نهاده و بر اساس کيان و موجودیت او قانون وضع کرده و انسان را به حقایقی که باید برسد هدایت نموده است .

آئین مقدس اسلام ، نظامی است اعتقادی ، اخلاقی و عملی . عقیده در اسلام عبارت است از پیوند قلب با حضرت حق و ایمان به قیامت و ملائکه و انبیاء و قرآن مجید ، اخلاق در اسلام عبارت است از تواضع ، ادب ، صبر ، حلم ، شرح صدر مهر و محبت ، رأفت ، صفا و صمیمیت ، مساوات و عدالت ، عمل در اسلام عبارت است از نماز ، روزه ، حج ، زکات ، خمس ، امر به معروف ، نهی از منکر ، جهاد ، تولی ، تبری ، احسان به پدر و مادر ، رعایت حقوق . البته این مسائل در جهات سه گانه ، همه مسائل اسلام نیست بلکه نمونه هایی از اسلام کامل و دین جامع است .

^۱ . محمد رضا زیبایی نژاد ، درآمدی بر فمینیسم ، ص ۲۴